

## شناخت عوامل مشوق و بازدارنده تسهیم دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

سحر انبارکی\*

کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی  
دانشگاه شیراز

عبدالرسول جوکار

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی  
استاد بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز

سعیده ابراهیمی

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی  
استادیار بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز

پذیرش: ۹۶/۳/۳

دریافت: ۹۵/۹/۲۸

### چکیده:

هدف: هدف از پژوهش حاضر، توسعه راهبردهای بهبود تسهیم دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته از طریق شناخت عوامل مؤثر و بازدارنده بر تمایل به اشتراک دانش در این شبکه‌ها می‌باشد.

روش‌رویکرد: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. جامعه پژوهش را کلیه پژوهشگران (اعضای هیأت علمی) دو دانشگاه شیراز و خلیج فارس بوشهر تشکیل می‌دهند، که با توجه به جمعیت ۹۰۰ نفری، بر مبنای جدول مورگان، ۲۶۹ نفر به عنوان نمونه تعیین گردید. گردآوری داده‌ها بر مبنای پرسشنامه بررسی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در جوامع مجازی ژائو (۲۰۱۰) انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که از بین عوامل مؤثر بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش، عوامل چشم‌انداز مشترک با اختلاف میانگین ۴/۸۲ و عمل متقابل با اختلاف میانگین ۴/۰۴ و اطمینان در اشتراک‌گذاری با اختلاف میانگین ۳/۳۴ به ترتیب بیشترین سهم را در افزایش تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش دارا می‌باشند. در این بین وابستگی اجتماعی با میانگین ۰/۴۲- و نمره‌ی t، ۴/۴۸- و با توجه به معنادار شدن رابطه، تأثیر بازدارنده بر تمایل به اشتراک دانش داشته است.

فصلنامه علمی پژوهشی  
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران  
شاپا (چاپی) ۲۲۲۳-۲۲۵۱  
شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱  
نمایه در LISA، SCOPUS و ISC  
<http://ijst.irandoc.ac.ir>  
دوره XX | شماره X | صص XX-XX  
۱۳XXX

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

دورن متن:

(انبارکی، زودآیند)

در فهرست منابع:

انبارکی، سحر. زودآیند. شناخت عوامل مشوق و بازدارنده تسهیم دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات.

<http://ijpm.irandoc.ac.ir> (دسترسی در

روز/ماه/سال)

نتیجه گیری: با توجه به تأثیر مثبت چشم انداز مشترک، عمل متقابل و اطمینان در تمایل به اشتراک دانش، می توان با ایجاد شبکه های اجتماعی علمی تخصصی، امکان حضور پژوهشگران هم رشته و با قلمروهای مشابه را فراهم کرد تا بدین طریق به تبادل دانش تخصصی با یکدیگر بپردازند. همچنین با ایجاد زمینه های آشنایی بیشتر پژوهشگران با این شاهراه های ارتباط علمی، علاوه بر تشویق ایشان به استفاده و اشتراک دانش بیش از پیش در شبکه های اجتماعی علمی پیوسته، سرعت تولید علم را نیز بالا برد.

**کلیدواژه ها:** اشتراک دانش، عوامل مشوق، عوامل بازدارنده، پژوهشگران، دانشگاه شیراز، دانشگاه خلیج فارس، شبکه های اجتماعی علمی پیوسته

سحر انبارکی \* [s.anbaraki@areeo.ac.ir](mailto:s.anbaraki@areeo.ac.ir)

#### ۱. مقدمه

دانش، دارایی شناخته شده ای است که با سهیم شدن دیگران در آن، افزایش می یابد و تسهیم و توزیع آن به رشد آن کمک می کند. در واقع ارائه دهندگان دانش با عرضه محصول خود، دانش خود را از دست نمی دهند، بلکه بر اندوخته دانش خود می افزایند و برخی از کاستی های علمی خود را اصلاح می کنند (Dalkir 2005). یکی از راه های ایجاد ارزش افزوده برای دانش، اشتراک گذاری آن می باشد؛ اشتراک دانش، فرآیند ارتباط بین دو یا چند نفر است که شامل انتقال و کسب دانش می شود (Ku and Fun 2009).

یکی از راه های مناسب و کارآمد برای به اشتراک گذاری دانش توسط افراد با توجه به پیشرفت های اخیر فناوری اطلاعات و اینترنت، استفاده از شبکه های اجتماعی پیوسته می باشد. این شبکه ها که زمان چندانی هم از پیدایش آنها نمی گذرد، به موضوع مورد علاقه و قابل بحث بسیاری از پژوهشگران قلمروهای مختلف از جمله علوم ارتباطات اجتماعی تبدیل شده است (اصنافی و همکاران، ۱۳۹۴).

شبکه های اجتماعی به دو دسته شبکه های اجتماعی عمومی<sup>۱</sup> و شبکه های اجتماعی حرفه ای و علمی<sup>۲</sup> تقسیم بندی می شوند؛ شبکه های اجتماعی عمومی عرصه هایی در دنیای مجازی هستند، که افراد می توانند خود را معرفی و دوستان جدیدی پیدا کنند، با دیگران در زمینه های مورد علاقه

<sup>1</sup> Popular Social Networks

<sup>2</sup> Scientific Social Networks

ارتباط برقرار نمایند، عقاید و نظرات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و در یک کلام، اجتماعی جدید را تجربه نمایند. از جمله این شبکه‌ها می‌توان فیس بوک<sup>۱</sup> و توئیتر<sup>۲</sup> را نام برد (نیازمند، ۱۳۹۲).

دسته دوم، شبکه‌های اجتماعی علمی یا حرفه‌ای است. این نوع از شبکه‌ها صرفاً به منظور شکل‌گیری پژوهش‌های علمی و به اشتراک گذاری دانش پژوهشگران با یکدیگر به کار می‌رود. این شبکه‌ها می‌توانند قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی پژوهشگران ارائه کنند و مجراهای اطلاع‌یابی را در جهت آموزش، متنوع و گسترده سازند، به گونه‌ای که افراد بتوانند بدون صرف وقت و هزینه جهت رفت و آمد برای حضور در محیط آموزشی با متخصصان و پژوهشگران رشته‌های مختلف در تعامل باشند و اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را سریع‌تر و به سهولت به دست آورند (همان). از جمله این شبکه‌ها می‌توان به ریسرچ گیت<sup>۳</sup>، آکادمیا<sup>۴</sup>، مندلی<sup>۵</sup> و لینکدین<sup>۶</sup> اشاره کرد.

بیشتر کاربران شبکه‌های اجتماعی پیوسته در هنگام نیاز، به جست‌وجوی دانش در این شبکه‌ها می‌پردازند و تعداد نسبتاً محدودی از کاربران در اشتراک گذاری دانش مهارت یا تمایلی برای این کار دارند. بنابراین، شناخت عوامل تمایل به اشتراک گذاری دانش موضوعی مهم و قابل بحث است.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی از سه بعد فایده و لذت<sup>۷</sup>، هزینه<sup>۸</sup> و سرمایه اجتماعی<sup>۹</sup> (عوامل زمینه‌ای) مورد توجه قرار گرفته شده است:

از بعد فایده و لذت، افراد به گونه‌ای رفتار می‌کنند که یا بیشترین منافع را برای آنها به دنبال داشته باشد و افراد نیز در مقابل همان کار را برای او انجام دهند (انتظار پاداش و عمل متقابل) (Zhao 2010). یا باعث ایجاد مقام و احترام برای او شود (کسب شهرت و اعتبار) (Jones et al

<sup>1</sup> Facebook

<sup>2</sup> Twitter

<sup>3</sup> Researchgate

<sup>4</sup> Academia

<sup>5</sup> Mendeley

<sup>6</sup> LinkedIn

<sup>7</sup> Benefits

<sup>8</sup> Costs

<sup>9</sup> Social Capital (contextual factors)

1997). گاهی اوقات نیز افراد بدون انتظار از طرف مقابل و تنها با انگیزه میل به کمک به دیگران به اشتراک دانش می‌پردازند (لذت کمک) (Davenport and Prusak 1998). هی و وی<sup>1</sup> (۲۰۰۹) بر این باورند که می‌توان از طریق به اشتراک گذاری دانش تعامل اجتماعی مداوم با دیگران برقرار کرد (وابستگی اجتماعی) (He and Wei 2009). به عنوان آخرین عامل بعد فایده و لذت می‌توان از خودکارآمدی دانش به عنوان یک خود محرک نام برد که در آن افراد با داشتن سطح بالایی از اعتماد بنفس در توانایی خود برای ارائه دانش ارزشمند به دیگران، بیشتر مایل به اشتراک دانش با دیگران هستند.

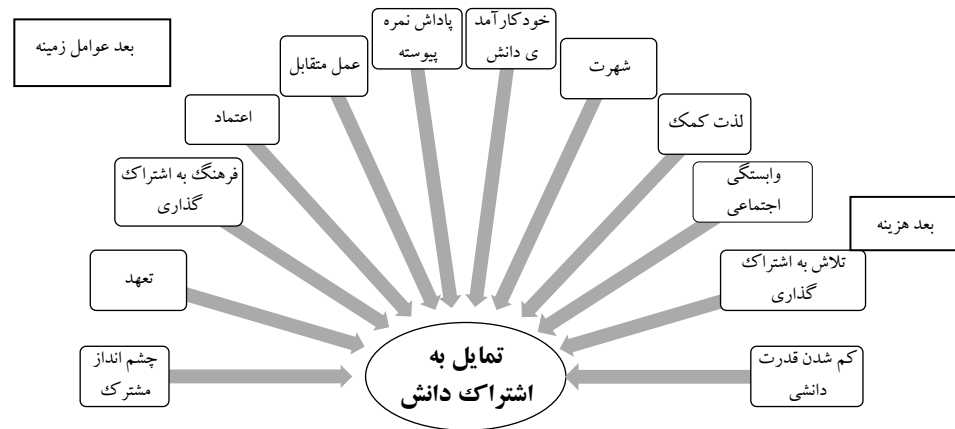
بعد هزینه اشتراک دانش، شامل تلاش به اشتراک گذاری و کم شدن قدرت دانشی می‌باشد. تلاش به اشتراک گذاری دانش شامل تلاش و زمانی است که فرد برای جواب دادن و به اشتراک گذاشتن آن در شبکه صرف می‌کند (Ba et al 2001; Markus 2001). کم شدن قدرت دانشی نیز به این معناست که هنگامی که شخص دانش با ارزش خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد، در واقع قسمتی از قدرت خود را با آن‌ها شریک شده است و قسمتی از قدرت خود را به آن‌ها بخشیده است (Galbraith 1967) و قدرت فرد کاهش یافته است (Gray 2001).

از بعد سرمایه اجتماعی، اعتماد عامل مهمی در تمایل به اشتراک دانش می‌باشد، در واقع زمانی که دو طرف شروع به اعتماد به یکدیگر می‌کنند، تمایل بیشتری برای به اشتراک گذاری منابع خود بدون هیچ نگرانی از مورد سوء استفاده قرار گرفتن این منابع از سوی طرف مقابل دارند (Brach and Acles 1989). از دیگر عوامل این بعد هنجار اشتراک گذاری است که در جامعه می‌تواند به عنوان یک جریان آزاد اطلاعات (فضای باز) بر اساس اعتماد (انصاف) و هنجارهای اجتماعی (هویت/شناسایی) در نظر گرفته شود (Yo, Lu and Lio 2010). علاوه بر این دو عامل، احساس تعهد نیز می‌تواند در تمایل افراد در به اشتراک گذاری دانش در یک جمع تأثیرگذار باشد (Cabrera et al 2006). آخرین عامل در بعد سرمایه اجتماعی چشم انداز مشترک است که اگر این عامل بین اعضای شبکه‌های انسانی وجود داشته باشد، فعالیت‌های مشترک را توسعه می‌بخشد (Cohen and Prusak 2001).

بطور خلاصه، می‌توان عوامل مؤثر بر تمایل به اشتراک دانش را در سه بعد هزینه، فایده و لذت و عوامل زمینه‌ای در شکل ۱ نشان داد.

بعد فایده و لذت

<sup>1</sup>He & Wei



شکل ۱. عوامل مؤثر بر تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته (ژانویه، ۲۰۱۰)

با وجود ویژگی‌های برجسته‌ای که درباره فن‌آوری اینترنت گفته شد، به نظر نمی‌رسد که فن‌آوری اطلاعات به تنهایی برای به اشتراک گذاری دانش کافی باشد و تمایل افراد مسئله مهمی در به اشتراک گذاری دانش می‌باشد.

این موضوع در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته که افراد تخصص و تجربه خود را به اشتراک می‌گذارند، نمود بیشتری دارد و منجر به پرسش مهم و قابل بحث در این باره می‌شود که چگونه می‌توان افراد را برای به اشتراک گذاری دانش و تجربه خود تشویق و در نتیجه اشتراک دانش در این شبکه‌ها را ترویج داد؟ این پرسش در واقع چالش بزرگی است که بسیاری از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر دانش با آن مواجه هستند. چون در جهان فیزیکی، تمایل فرد برای به اشتراک گذاری دانش ممکن است فقط مشروط به شناخت خوب از طرف مقابل باشد ولی در جوامع مجازی این کار ممکن نیست، به این دلیل که این جوامع گاه از هزاران نفر تشکیل شده است و شناخت همه‌ی این افراد امکان‌پذیر نمی‌باشد. علاوه بر این، به اشتراک گذاری دانش با دیگران، مستلزم صرف هزینه‌هایی همچون زمان و تلاش برای ارائه دهنده دانش می‌باشد و همین موضوع تمایل برای اشتراک دانش در این شبکه‌ها را مشروط به ایجاد فضا و قابلیت‌های خاصی می‌کند.

از طرف دیگر به اشتراک گذاشتن انتشارات علمی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته علاوه بر افزایش نمایانی مقالات، باعث افزایش بارگذاری آنها به وسیله موتورهای جستجو نیز می‌شود و با تسهیل برقراری ارتباط بین پژوهشگران، می‌تواند سبب بهبود کیفیت پژوهش و پیشبرد اهداف علمی شوند. بنابراین، شناخت عواملی که باعث تمایل به اشتراک گذاری و تبادل دانش بین

پژوهشگران می‌شود، بسیار مهم و ضروری است چون از یک طرف انجام درست و به موقع فعالیت‌های پژوهشی، به ارتباط و اشتراک گذاری دانش بین افراد بستگی دارد و از طرف دیگر حیات این شبکه‌ها در گرو به اشتراک گذاری دانش بین اعضای خود می‌باشد.

با توجه به اهمیت این شبکه‌ها در شکل‌گیری ارتباط مؤثر بین پژوهشگران در سراسر جهان و پیشبرد و توسعه اهداف پژوهشی و از آنجایی که پژوهش‌های معدودی به‌خصوص در داخل کشور در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و عوامل مؤثر در اشتراک دانش تخصصی بین پژوهشگران صورت گرفته است، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر و بازدارنده بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش و شرکت در فعالیت‌های دانشی شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و معرفی مؤثرترین عوامل در راستای توسعه راهبردهای بهبود تسهیم دانش در این شبکه‌ها انجام گرفته است.

#### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در این بخش به دو دسته موضوعی تقسیم بندی شده‌اند:

دسته نخست، معرفی پژوهش‌هایی که با هدف بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته انجام گرفته است و دسته دوم شامل پژوهش‌هایی می‌شود که به بحث اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن در شبکه‌های اجتماعی از هر دو نوع عمومی و اختصاصی پرداخته‌اند.

در خصوص پژوهش‌هایی که به بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

اناری، عاصمی و ریاحی نیا (۱۳۹۱) که در بین ۷۰ نفر از کتابداران دانشگاه اصفهان انجام دادند و میزان استفاده کتابداران این دانشگاه را ابزارهای شبکه‌های اجتماعی پیوسته در اشتراک دانش را رو به پایین گزارش کردند. بتولی و نظری (۱۳۹۳) در پژوهش خود که از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از پژوهشگران علوم پزشکی فعال در شبکه اجتماعی علمی ریسرچ گیت انجام دادند، نقش شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته را در تسهیل فعالیت‌های پژوهشی بسیار مؤثر دانستند. اصنافی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای که به منظور بررسی میزان حضور پژوهشگران دانشگاه‌های علوم پزشکی، آزاد و دولتی شهر اهواز در شبکه علمی ریسرچ گیت به انجام رساندند، به این نتیجه رسیدند، که اکثر پژوهشگران هر سه دانشگاه در شبکه علمی فوق حضور فعال دارند و به اشتراک

دانش با سایر پژوهشگران می‌پردازند.

در بحث اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته که از این بین می‌توان به پژوهش کاظمی، وحیدی مطلق و وحیدی مطلق (۱۳۹۳) اشاره کرد که در مقاله خود به گردآوری اطلاعات از ۴۰۰ نفر از اعضای انجمن گفتگوی مجازی پی سی ورلد<sup>۱</sup> که از شبکه‌های اجتماعی ایرانی است، پرداختند و نتایج نشان داد، متغیرهای تأثیرگذار بر اشتراک دانش در این جوامع به دو گروه عوامل مفهومی شامل هنجارهای تبادل دانش و اعتماد بین فردی و عوامل فردی شامل خودکارآمدی، مزیت مرتبط درک شده و سازگاری درک شده طبقه بندی می‌شوند.

ستوده و سعادت (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شیمیدان‌های ایرانی به عضویت در پرمخاطب‌ترین شبکه‌های اجتماعی علمی انجام دادند و داده‌ها حاکی از آن بود که استقبال شیمیدان‌های ایرانی از این شبکه‌ها چندان بالا نبوده و دانشمندانی که از مرتبه دانشجویی بالاتری برخوردار بوده‌اند، گرایش بیشتری به عضویت در این شبکه‌ها از خود نشان داده‌اند.

واسکو و فرج (۲۰۰۰) در مطالعه خود که از طریق نظرسنجی در بین اعضای سه شبکه اجتماعی مشتمل بر ۳۴۲ نفر انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اعضا در درجه اول منافع جامعه، روابط متقابل و رفتار اجتماعی را از عوامل تمایل به تبادل دانش با دیگران دانسته‌اند. سو و همکاران در سال ۲۰۰۷ فرم نظرسنجی بر روی انجمن بحث یاهو با هدف کشف عوامل بازدارنده و مؤثر در رفتار به اشتراک گذاری دانش انجام دادند، که نتایج بدست آمده از ۲۷۴ فرم نظرسنجی کامل، نشان داد عوامل خودکارآمدی، انتظار نتیجه و اعتماد اثر مثبتی بر رفتار به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی دارند.

پژوهشی که در سال ۲۰۰۹ توسط چن<sup>۲</sup> و همکارانش انجام گرفت، از جمله عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی، گرایش به اشتراک دانش، خودکارآمدی دانش، خودکارآمدی، هنجارهای ذهنی و وابستگی اجتماعی بیان گردید. لیو، لو و یو (۲۰۱۰) در پژوهش خود که با نظرسنجی از ۴۴۲ نفر از اعضای سه شبکه اجتماعی پیوسته انجام دادند، عوامل اعتماد، جریان آزاد اطلاعات و فرهنگ اشتراک گذاری را در اشتراک گذاری داوطلبانه دانش در بین اعضای شبکه‌های اجتماعی مؤثر دانستند.

<sup>۱</sup>PCWorld

<sup>۲</sup>Chen

چن و هونگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای که بر روی ۳۲۳ نفر عضو شبکه‌های اجتماعی انجام دادند، عوامل مؤثر در رفتار اشتراک گذاری دانش توسط اعضا در این شبکه‌ها را عمل متقابل، اعتماد بین فردی و خودکارآمدی بیان کردند. ژائو در پایان نامه دوره دکتری خود در سال ۲۰۱۰ از طریق نظرسنجی اینترنتی از ۹۶۸ نفر از اعضای یک شبکه اجتماعی بزرگ IT، عوامل سرمایه اجتماعی و پاداش را از جمله عوامل مؤثر بر تمایل افراد به اشتراک دانش بر شمرد.

چیو و همکاران در پژوهشی در سال ۲۰۱۰، از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از ۲۷۰ نفر عضو یک شبکه اجتماعی حرفه‌ای اینطور نتیجه گرفتند که خشنودی از اشتراک دانش، عاملی حیاتی در تداوم اشتراک دانش در این جوامع محسوب می‌شود.

ناندز و بورگو (۲۰۱۳) در پژوهشی که به بررسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مقاصد پژوهشی انجام دادند، دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث معرفی بیشتر پژوهشگران و انتشارات علمی آنها خواهد شد. همچنین ثلوال و کوشا نیز پژوهشی در سال ۲۰۱۴ با هدف بررسی گرایش به عضویت در شبکه‌های اجتماعی انجام دادند و بیان داشتند که گرایش زنان و مردان در این خصوص برابر بوده است.

در نظرسنجی اینترنتی که در سال ۲۰۱۵ توسط یائو، تی سای و فنگ از ۲۲۲ نفر عضو یک شبکه اجتماعی انجام دادند، نشان داده شد که عوامل سرمایه اجتماعی اثر مثبتی بر اشتراک دانش در این جوامع دارند. جمالی، نیکلاس و هرمان (۲۰۱۶) با بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اروپایی به این نتیجه رسیدند که بسترها و ساز و کارهای وب اجتماعی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی چندان شناخته شده نیستند.

مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که موضوع شبکه‌های اجتماعی در دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته ولی هنوز پژوهش‌های جامعی در رابطه با اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن به خصوص در داخل کشور و با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی علمی انجام نشده است و در خارج از کشور نیز با این که پژوهش‌های خوبی حداقل در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر ترویج به اشتراک گذاری دانش در سال‌های اخیر انجام شده است ولی اکثر این پژوهش‌های بسیار کلی بوده و در قلمروی شبکه‌های اجتماعی به خصوص از نوع علمی آن، هنوز جای کار زیادی وجود دارد. البته با توجه به مطالعات انجام شده و جایگاه ویژه‌ی این شبکه‌ها در

<sup>۱</sup>Chen & Hung



تولید، انتقال و ترویج دانش و نقش مؤثر آن‌ها در امور پژوهشی به‌خصوص در سال‌های اخیر، انتظار می‌رود پژوهش‌های بیشتری در رابطه با اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در سال‌های آینده انجام گیرد.

### پرسش‌های پژوهش

۱. عوامل مشوق و بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته کدامند؟
۲. از بین عوامل مشوق، کدام عوامل بیشترین تأثیر را در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند؟

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر پیمایشی توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه پژوهش در این مقاله ۹۰۰ نفر از اعضای هیأت علمی دو دانشگاه شیراز و خلیج فارس بوشهر بود که بر طبق جدول مورگان ۲۶۹ نفر به‌عنوان نمونه‌ی پژوهش در نظر گرفته شد. از این بین ۱۹۴ نفر (۷۲/۲ درصد) سهم دانشگاه شیراز و ۷۵ نفر (۲۸/۸ درصد) سهم دانشگاه خلیج فارس بوشهر گردید. با توجه به وجود دانشکده‌های متعدد در هر دو دانشگاه برای مشخص شدن اینکه از هر دانشکده به چند عضو هیأت علمی پرسشنامه داده شود، ابتدا از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از هر دانشگاه ۵ خوشه بطور تصادفی انتخاب و متناسب با حجم نمونه به توزیع پرسشنامه به روش نمونه در دسترس پرداخته شد. در دانشگاه شیراز دانشکده‌های حقوق، علوم تربیتی، مهندسی مکانیک، فیزیک و شیمی و با توجه به نمونه ۱۹۴ نفری سهم هر دانشکده ۳۹ نفر و دانشگاه خلیج فارس بوشهر دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی نفت، مهندسی کامپیوتر و کشاورزی و سهم هر دانشکده ۱۵ نفر عضو هیأت علمی شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بود که توسط ژائو (۲۰۱۰) ساخته شده بود و با ایجاد تغییرات جزئی در اختیار جامعه‌ی پژوهش قرار گرفت. ژائو در پژوهش خود هر دو نوع شبکه‌های اجتماعی پیوسته (عمومی و علمی) را در نظر گرفته بود که با توجه به هدف پژوهش حاضر که فقط شبکه‌های اجتماعی علمی و جامعه پژوهش که پژوهشگران را شامل می‌شد، تغییرهایی در همین راستا اعمال شد.

از ۲۶۹ پرسشنامه توزیع شده در بین جامعه پژوهش، ۲۲۳ پرسشنامه (۸۲/۹ درصد) برگشت داده شد. از این تعداد، ۱۵۲ نفر را پژوهشگران مرد و ۷۱ نفر را زنان تشکیل می دادند. سنین بین ۳۱ تا ۴۰ سال و مرتبه علمی استادیار بیشترین گروه پاسخ گو را تشکیل دادند. همچنین بیشترین پاسخ گویان را به ترتیب پژوهشگران دانشکده های علوم پایه، علوم تربیتی و مهندسی تشکیل می دادند.

جهت سنجش روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، از نظرات ۱۰ نفر از استادان رشته علم اطلاعات و دانش شناسی دو دانشگاه شیراز و علوم پزشکی بوشهر استفاده و اصلاحات لازم انجام پذیرفت. پایایی پرسشنامه نیز، به روش آلفای کرونباخ بررسی گردید و با نمره قابل قبول ۰/۹۱ مورد تایید قرار گرفت.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری اس پی اس<sup>۱</sup> نسخه ۲۱ استفاده شد.

#### یافته های پژوهش

به منظور بررسی و تعیین عوامل مؤثر و بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه های اجتماعی علمی پیوسته و معرفی مؤثرترین عوامل، با توجه به نرمال بودن توزیع داده ها، که با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد تایید قرار گرفت، از آزمون t تک نمونه ای و محاسبه مقدار اختلاف میانگین استفاده شد.

- بررسی عوامل مشوق و بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه های اجتماعی علمی پیوسته

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، بیشترین فراوانی تعداد پرسش های پرسشنامه در بعد فایده و لذت با ۱۵ پرسش و بعد از آن بعد عوامل زمینه ای با ۱۳ پرسش می باشد و بعد هزینه نیز ۴ پرسش از پرسش های پرسشنامه را شامل می شود. در جدول ۱، نمره معیار همان مقدار میانگین قابل انتظار برای هر عامل می باشد که با توجه به تعداد پرسش های مربوط به هر عامل بدست می آید. همان گونه که مشاهده می شود، از بین ۱۲ عامل تمایل در به اشتراک گذاری دانش، کم شدن قدرت دانشی با انحراف معیار ۲ و کسب نمره t، ۰/۶۳- و سطح معنی داری ۰/۵۲ با نمره معیار

<sup>۱</sup> SPSS

تفاوت معنی داری ندارد و این عامل اثری بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش ندارد. ولی برای ۱۱ عامل دیگر، بین نمره معیار و میانگین کسب شده تفاوت معنی دار وجود دارد. از بین ۱۱ عاملی که بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش اثرگذار هستند، تنها، وابستگی اجتماعی با میانگین کسب شده  $0/42-$ ، انحراف معیار  $1/42$  و کسب نمره  $t, 48/4-$  و با توجه به معنی دار بودن، می‌تواند تأثیر منفی بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش داشته باشد و بنظر می‌رسد بقیه عوامل تأثیر مثبت و مستقیم بر تمایل آنها به شرکت در فعالیت‌های دانشی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند.

- شناخت مؤثرترین عوامل در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از بین ۱۰ عاملی که تأثیر مثبت بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند، با توجه به اختلاف میانگین کسب شده زیرمؤلفه چشم انداز مشترک و عمل متقابل با اختلاف میانگین  $4/82$  و  $4/04$  بیشترین میزان تأثیر را در افزایش تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند و بعد از آن دو زیرمؤلفه اطمینان در اشتراک گذاری و لذت کمک با اختلاف میانگین  $3/34$  و  $3/01$  قرار دارند.

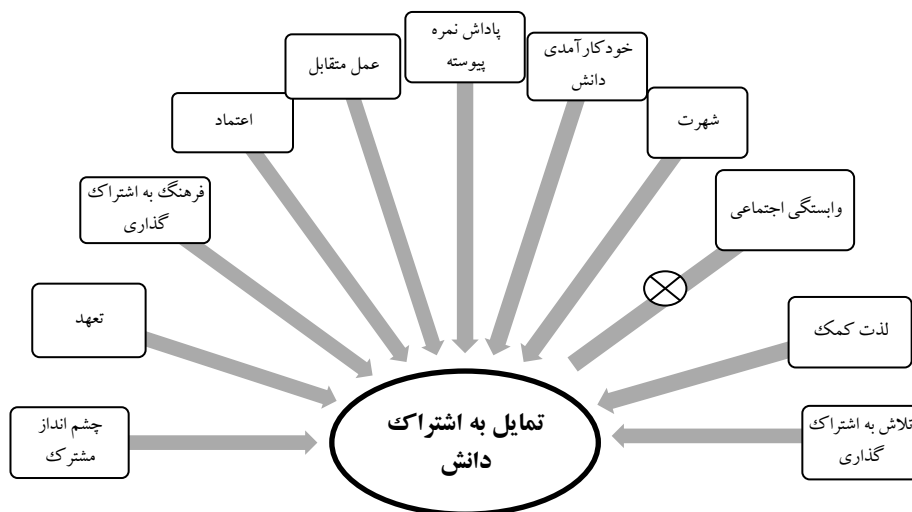
لازم به توضیح است که، در جدول، مقدار میانگین همان میانگین کسب شده از نمرات پاسخ‌گویان می‌باشد. میانگین قابل انتظار نیز حد میانگین تعداد سوالات می‌باشد. به عنوان مثال، اگر دو سوال ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت وجود داشته باشد، می‌توان با طیف امتیازات ۱ تا ۱۰ نمره بگیرد و میانگین آنها ۵ می‌شود. اختلاف میانگین، میزان اختلاف نمرات کسب شده از مقدار میانگین و میانگین قابل انتظار می‌باشد و هرچه اختلاف میانگین یک عامل بیشتر باشد تأثیر این عامل در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش نیز بیشتر خواهد بود (Douglas and Gomery 2012).

جدول ۱. توزیع میانگین، انحراف معیار و مقایسه میانگین تک نمونه‌ای عوامل ۱۲ گانه اشتراک دانش

ابعاد	متغیر	تعداد سوالات	میانگین	انحراف معیار	میانگین قابل انتظار	اختلاف میانگین	نمره t	سطح معنی داری
بعد هزینه	کم شدن قدرت دانشی	۲	۴/۹۱	۲/۰۰	۵	-۰/۰۸	-۰/۶۳	۰/۵۲

۰/۰۰۰۱	۹/۵۴	۱/۱۱	۵	۱/۷۴	۶/۱۱	۲	تلاش به اشتراک گذاری	
۰/۰۰۰۱	-۴/۴۸	-۰/۴۲	۷/۵	۱/۴۲	۷/۰۷	۳	وابستگی اجتماعی	بعد فایده و لذت
۰/۰۰۰۱	۲۲/۵۶	۳/۰۱	۵	۱/۷۵	۸/۰۱	۲	لذت کمک	
۰/۰۰۰۱	۱۶/۸۶	۲/۵۸	۷/۵	۲/۲۸	۱۰/۰۸	۳	وضعیت پیوسته	
۰/۰۰۰۱	۲۱/۵۹	۱/۲۷	۲/۵	۰/۸۸	۳/۷۷	۱	خود کارآمدی دانش	
۰/۰۰۰۱	۷/۷۱	۱/۳۳	۷/۵	۱/۸۹	۸/۸۳	۳	پاداش نمره پیوسته	
۰/۰۰۰۱	۳۱/۸۱	۴/۰۴	۷/۵	۱/۸۹	۱۱/۵۴	۳	عمل متقابل	
۰/۰۰۰۰۱	۲۰/۶۵	۳/۳۴	۱۰	۲/۴۱	۱۳/۳۴	۴	اطمینان در اشتراک گذاری (اعتماد)	
۰/۰۰۰۱	۲۹/۸۲	۴/۸۲	۱۰	۲/۴۱	۱۴/۸۴	۴	چشم انداز مشترک	
۰/۰۰۰۱	۲۱/۲۵	۱/۹۶	۵	۱/۳۸	۶/۹۶	۲	هنجارهای به اشتراک گذاری	
۰/۰۰۰۱	۱۵/۴۲	۲/۵۱	۷/۵	۲/۴۳	۱۰/۰۱	۳	تعهد	

با توجه به نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته را که در شکل ۱ آمده است، به صورت زیر در شکل ۲ اصلاح کرد تا با در نظر گرفتن این عوامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های لازم در خصوص بهبود وضعیت اشتراک دانش در این شبکه‌ها انجام پذیرد.



شکل ۲. عوامل مشوق و بازدارنده بر تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

همان‌گونه که گفته شد، از بین ۱۲ عامل مؤثر بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، کم شدن قدرت دانشی از بعد هزینه، در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش تأثیری ندارد، که این عامل در شکل ۲ حذف شده است و از بین ۱۱ عامل باقیمانده مؤثر، تنها عاملی که تأثیر منفی دارد، وابستگی اجتماعی می‌باشد، که مربوط به بعد فایده و لذت است و در شکل با یک خط صاف و یک علامت ضربدر نشان داده شده است. بقیه عوامل که با فلش مشخص شده‌اند، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و مستقیم بر تمایل به اشتراک دانش می‌باشند. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد عوامل زمینه‌ای در تمایل به تسهیم دانش نقش پررنگ‌تری نسبت به دیگر ابعاد دارند و می‌توان با تقویت کردن عوامل این بعد، باعث بهبود اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی و شناخت عوامل مشوق و بازدارنده بر تمایل پژوهشگران به اشتراک

دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخت. بحث اشتراک دانش عامل مهمی است که در حفظ حیات شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و پیشبرد هرچه سریعتر و آسانتر امور پژوهشی اهمیت قابل توجهی دارد. دستیابی به این هدف، مستلزم ایجاد انگیزه و تمایل در اعضای این شبکه‌ها برای شرکت در فعالیت‌های دانشی می‌باشد.

از آنجا که فعالیت در این شبکه‌ها می‌تواند به معرفی بیشتر فعالیت‌های علمی - پژوهشی فردی و سازمانی و در نتیجه افزایش نمایانی پژوهشگران و مقاله‌های ایشان و در نتیجه تقویت نفوذ پژوهشگران در جامعه علمی منجر شود، بنابراین هرچه سطح فعالیت و اشتراک دانش تخصصی افراد در این شبکه‌ها بیشتر باشد، علاوه بر اینکه دسترسی افراد به اطلاعات نیز بالاتر خواهد رفت و منجر به پیشبرد اهداف پژوهشی و حفظ حیات این شبکه‌ها خواهد شد، باعث شناخته‌تر شدن و معرفی بیشتر پژوهشگران و انتشاراتشان نیز می‌شود.

در بررسی که بر روی پژوهشگران و اعضای هیأت علمی دو دانشگاه شیراز و خلیج فارس بوشهر به جهت شناخت عوامل مشوق و بازدارنده در تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته انجام شد، این نتایج بدست آمد، که از جمله عوامل بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، وابستگی اجتماعی است. این بدین معناست که برای اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، تحت تأثیر قرار دادن دیگر اعضای و یا ایجاد رابطه دوستانه با آنها به واسطه شرکت در فعالیت‌های دانشی و اشتراک دانش تخصصی خود، اهمیتی ندارد. این عامل نه تنها باعث تمایل در اشتراک دانش و فعالیت دانشی بیشتر آنها نخواهد شد، بلکه تأثیر منفی نیز در این امر داشته است.

نتیجه بدست آمده از این بررسی با نتیجه پژوهش واسکو و فرج (۲۰۰۰) که در پژوهش خود مؤثرترین عوامل در تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی از هر دو نوع علمی و عمومی را کسب پاداش، عمل متقابل و وابستگی اجتماعی بیان کردند، همخوانی ندارد. شاید بتوان یکی از دلایل این ناهمخوانی را متفاوت بودن اهداف و جامعه دو پژوهش بیان کرد و یکی دیگر از دلایل متفاوت بودن جامعه مجازی مورد پژوهش باشد. در پژوهش واسکو و فرج، شبکه‌های اجتماعی عمومی نیز مورد بررسی قرار گرفته بود، همان گونه که در مقدمه پژوهش نیز گفته شد، یکی از دلایل و اهداف ایجاد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی عمومی نظیر فیس بوک یا توئیتر بوجود آمدن رابطه دوستی و نزدیکی با دیگران می‌باشد که این موضوع در شبکه‌های اجتماعی علمی صدق نمی‌کند. همچنین جامعه پژوهش حاضر فقط شامل پژوهشگران است که برای ایشان

اشتراک دانش به منظور ایجاد رابطه دوستی و نزدیکی دارای اهمیت نمی‌باشد و دستیابی به اهداف مشترک علمی دارای اهمیت بیشتری است.

نتیجه بدست آمده را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که برای پژوهشگران همان‌طور که در ادامه نیز خواهد آمد، اشتراک و تبادل دانش تخصصی به منظور دستیابی به اهداف مشترک علمی و پیشبرد این اهداف و توسعه علم دارای اهمیت قابل توجهی است که منطقی نیز بنظر می‌رسد. چون هدف اصلی شبکه‌های اجتماعی علمی بر خلاف شبکه‌های اجتماعی عمومی از گرد هم در آوردن افراد ایجاد رابطه علمی در جهت کمک به یکدیگر و دستیابی به اهداف علمی مورد نظر است نه ایجاد رابطه دوستی یا نزدیکی بین آنان.

بررسی عوامل مشوق اشتراک دانش بین پژوهشگران نشان داد، در صورتی تمایل بیشتری به اشتراک دانش تخصصی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته وجود دارد که افراد دارای چشم انداز مشترک با دیگر اعضای شبکه باشند. داشتن چشم‌انداز مشترک به معنی داشتن اهداف و ارزش‌های مشترک است، بنابراین، داشتن اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌های مشترک بین اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در تمایل به اشتراک گذاری دانش و شرکت در فعالیت‌های دانشی پژوهشگران بسیار حائز اهمیت بوده است.

بعد از عامل چشم انداز مشترک، عمل متقابل، اعتماد و لذت کمک بیشترین تأثیر را در تمایل به اشتراک گذاری دانش داشته‌اند. در تبیین نتیجه بدست آمده می‌توان گفت، اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در صورتی تمایل بیشتری در به اشتراک گذاری دانش تخصصی خود دارند، که نسبت به مورد سوء استفاده قرار نگرفتن دانش خود از سوی دیگر اعضای شبکه اطمینان حاصل کرده و احساس امنیت کنند. همچنین اعضای در صورتی به تبادل دانش و شرکت در فعالیت‌های دانشی این شبکه‌ها می‌پردازند که اگر به پرسش‌های دیگران پاسخ دهند و به رفع نیاز دانشی آنان کمک کنند، دیگر اعضای نیز در صورت درخواست، دانش مورد نیاز را در اختیارشان قرار می‌دهند و پاسخ‌گوی پرسش‌های پیش آمده آنها هستند. همچنین برای اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، کمک به دیگر اعضای بواسطه پاسخ‌گویی به پرسش‌های و رفع نیاز دانشی آنها، لذت بخش بوده و به همین دلیل به اشتراک دانش و شرکت در فعالیت دانشی تمایل بیشتری از خود نشان داده‌اند.

نتایج این بررسی قابل مقایسه با نتایج پژوهش‌های زیر است:

چن و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود مهم ترین عوامل مؤثر بر رفتار به اشتراک گذاری دانش در جوامع آموزشی مجازی را لذت از اشتراک دانش و خودکارآمدی معرفی کردند. ژائو (۲۰۱۰) در پژوهش خود از جمله عوامل مؤثر بر تمایل در به اشتراک گذاری دانش در شبکه های اجتماعی را تعهد، چشم انداز مشترک و اعتماد بیان کرد. در پژوهش لیو، لو و یو (۲۰۱۰) که به بررسی عواملی که باعث به اشتراک گذاری داوطلبانه دانش در وبلاگ ها پرداختند، مهم ترین عوامل را اعتماد، جریان آزاد اطلاعات و فرهنگ (هنجار) به اشتراک گذاری دانش بیان کردند. در پژوهش چیو و همکاران (۲۰۱۰) که با هدف بررسی انگیزه های افراد در تداوم اشتراک دانش در شبکه های اجتماعی حرفه ای انجام دادند، دو عامل لذت کمک به دیگران و اعتماد را مهم ترین عوامل دانستند. پژوهشی که توسط لیائو، تو و سو (۲۰۱۲) به جهت بررسی عواملی که انگیزه افراد را در به اشتراک گذاری دانش در شبکه های اجتماعی بالا می برد، انجام دادند، چهار عامل لذت کمک، فایده، خودکارآمدی و فرهنگ به اشتراک گذاری دانش را از عوامل مهم دانسته اند. یائو، تی سای و فنگ (۲۰۱۵) از عوامل مهم اشتراک دانش در جوامع مجازی را عوامل زمینه ای که عبارتند از چشم انداز مشترک، اعتماد، تعهد و فرهنگ به اشتراک گذاری می باشند، بیان کردند.

همان گونه که مشاهده می شود، مؤثرترین عوامل در تمایل به شرکت در فعالیت شبکه ها یا به اشتراک گذاری دانش و تجربه در بیشتر پژوهش ها سه عامل چشم انداز مشترک، اعتماد و لذت می باشد و با نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر همخوانی دارد. می توان دلیل تفاوت های کوچکی نیز که وجود دارد را در سه عامل دانست. عامل اول جامعه مورد پژوهش، که جوامع همه این پژوهش ها و بدنبال آن نگرش های اعضا نیز متفاوت است. عامل دوم فضای مجازی مورد بحث می باشد که در بیشتر پژوهش ها همه انواع شبکه های اجتماعی در نظر گرفته شده اند و می توان گفت که شرایط و انگیزه اعضای شبکه های اجتماعی مختلف برای شرکت در فعالیت های مربوطه متفاوت است و هر شبکه ای شرایط مخصوص به خود را دارد و آخرین عامل، گوناگونی اهداف پژوهش های ذکر شده است.

با توجه به عوامل مشوق و بازدارنده اشتراک دانش در شبکه های اجتماعی علمی پیوسته، بنظر می رسد که پژوهشگران بیشتر تمایل دارند با کسانی که در قلمرو تخصصی خود فعالیت می کنند، در ارتباط باشند و به اشتراک و تبادل دانش در فضایی با امنیت بالا بپردازند. در این خصوص سیاست گزاران و برنامه ریزان توسعه تسهیم دانش می توانند با ایجاد زیرساخت های فنی لازم در خصوص دستیابی هرچه سریعتر و آسانتر به این شبکه ها در جهت انجام فعالیت های دانشی بکوشند، همچنین می توان برای طراحی شبکه های اجتماعی علمی تخصصی پیوسته با امنیت بالا به



طوری که امکان حضور پژوهشگران هم رشته و با تخصص‌های مرتبط فراهم آید، برنامه ریزی‌های لازم را به عمل آورد. از طریق معرفی دقیق قابلیت‌ها و توانایی‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در رفع مشکلات دانشی پژوهشگران، می‌توان با بوجود آوردن فرهنگ اشتراک دانش و اعتقاد به اینکه تسهیم و تبادل دانش باعث افزایش قدرت می‌شود نه در اختیار گرفتن انحصاری دانش، پژوهشگران را به شرکت در فعالیت‌های دانشی تشویق کرد. از این طریق علاوه بر اینکه پژوهشگران و انتشاراتشان به جامعه جهانی معرفی می‌شوند، با رونق دادن به استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی به اهداف پژوهشی خود با سرعت و کیفیت بهتری دست خواهند یافت.

### پیشنهاد‌های پژوهش:

#### - پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به جامعه غیر عضو در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، همان‌گونه که در پژوهش نیازمند در سال ۹۲ که به حضور ضعیف پژوهشگران ایرانی و پژوهش جمالی، نیکلاس و هرمان در سال ۲۰۱۶ که به عدم شناخت و استفاده پژوهشگران و دانشمندان اروپایی از امکانات شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته اشاره داشتند، توجه داشت. به نظر می‌رسد که این شبکه‌ها هنوز جایگاه کاربردی و با ارزش خود را در بین جامعه پژوهشگران پیدا نکرده‌اند، در این خصوص می‌توان با توجه به نتایج حاصله از پژوهش حاضر پیشنهادهایی را در جهت ترغیب پژوهشگران به استفاده بیش از پیش از این شبکه‌ها ارائه داد.

از آن جمله طراحان و سازندگان شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته می‌توانند با اتخاذ تدابیری در جهت تسهیل دسترسی به این شبکه‌ها از طریق ساده‌سازی صفحه‌خانگی این شبکه‌ها و وجود راهنمایی کامل و آسان بکوشند. با طراحی شبکه‌های اجتماعی علمی تخصصی پیوسته فضایی را برای حضور پژوهشگران هم رشته و با تخصص‌های مرتبط فراهم آورند. همچنین اطلاع رسانی و سیاست‌گذاران امر می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های مختلف در جهت آگاهی رسانی و ترغیب پژوهشگران برای عضویت در این شبکه‌ها، به پژوهشگران کمک کنند تا ارتباطات علمی خود را با مراکز علمی داخلی و بین‌المللی افزایش دهند و توانمندی‌های خود را به جامعه جهانی معرفی کنند. همچنین می‌توان با ایجاد زیر ساخت‌های فنی لازم جهت دسترسی سریع و آسان به شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در جهت انجام فعالیت‌های دانشی و به اشتراک گذاری دانش از طریق بالا بردن پهنای باند اینترنت اقدام نمود.

- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

با توجه به روند رو به رشد توجه به اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در اشتراک دانش تخصصی و نیز با نظر به اینکه پژوهش‌های بسیار اندکی علی‌رغم گستردگی موضوعات این شبکه‌ها انجام گرفته است می‌توان در پژوهش‌های دیگری به بررسی نقش دیگر عوامل مثل عوامل اجتماعی بر تمایل در به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخت. همچنین می‌توان علل عدم حضور و تمایل پژوهشگران ایرانی را به حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و شرکت در فعالیت‌های دانشی این شبکه‌ها را مورد بررسی قرار داد. بررسی مهمترین عوامل در بازیابی مؤثر اطلاعات و چالش‌های پیش روی پژوهشگران در این خصوص در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته نیز جا دارد که مورد توجه خاص قرار گیرد. همچنین پژوهشی با موضوع نیازسنجی طراحی شبکه‌های اجتماعی علمی تخصصی پیوسته در راستای طراحی این گونه شبکه‌ها نیز می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. بررسی تأثیر وزنی هر یک از عوامل مؤثر بر تمایل در به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و مقایسه این عوامل با یکدیگر و ارائه مدل‌های مربوطه نیز می‌تواند به عنوان موضوعی مهم مطرح شود.

پودانش  
مدیریت  
اطلاعات

## منابع

- اصنافی، امیررضا؛ سلامی، مریم؛ سیاح برگرد، مهدی و حسینی آهنگری، عابدین (۱۳۹۴). "حضور پژوهشگران دانشگاه‌های علوم پزشکی، آزاد و دولتی شهر اهواز در شبکه اجتماعی علمی ریسرچ گیت". فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی. ۶، ۱
- اناری، فاطمه؛ عاصمی، عاصفه و ریاحی نیا، نصرت (۱۳۹۱). "بررسی میزان استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه اصفهان". فصلنامه دانش شناسی، ۲۰، ۱۰-۲۳.
- بتولی، زهرا؛ نظری، مریم (۱۳۹۳). "بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی پژوهش‌هایی جهت تسهیل فعالیت‌های پژوهشی از منظر پژوهشگران قلمروی علوم پزشکی ایران". مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت). ۸ (۴)، ۳۱۷-۳۳۲.
- داگلاس، سی؛ گومری، مونت (۲۰۱۲). "خلاصه‌ای بر طرح و تجزیه آزمایشها". ترجمه محمدرضا دهقانی. ۱۳۹۱. تهران: نشر پلک
- ستوده، هاجر؛ سعادت، یاسمین (۱۳۹۴). "بررسی گرایش به عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی در میان شیمیدان‌های ایران". *تعامل انسان و اطلاعات*، ۲ (۳)، ۱-۱۲.
- کاظمی، مهدی؛ وحیدی مطلق، طیبه؛ وحیدی مطلق، سمانه (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر عوامل اثرگذار بر اشتراک دانش در جوامع مجازی ایرانی". *پژوهش‌های مدیریت عمومی*. ۷ (۲۳)، ۱۰۷-۱۲۸.
- نیازمند، محمدرضا (۱۳۹۲). "بررسی تطبیقی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

- Ba,S, Stallert, J, Whinston, A.B. (2001). Introducing a third dimension in information systems design: the case for incentive alignment, *information system research* 12(3), 225-239
- Bajaria, H.(2000), "Knowledge Creation and Management", *Quality Management Review*, 11(4), 56-69
- Bartol, K.M., Srivastava, A., (2002). Encouraging knowledge sharing: the role of organizational reward systems. *Journal of Leadership and Organizational Studies* 9 (1), 64.
- Blau, P. M. (1964). Exchange and Power in Social Life, *John Wiley, New York*
- Bock, G.W., Zmud, R.W., Kim, Y., Lee, J., (2005). Behavioral intention formation knowledge sharing: Examining roles of extrinsic motivators, social-psychological forces, and organizational climate. *MIS Quarterly* 29 (1), 87-111.
- Cabrera, A., Collins, W. C. and Salgado, J. F. (2006). "Determinants of individual engagement in knowledge sharing," *International Journal of Human Resource Management*, (17:2), 245-264.
- Chen, Ying Hueih., Yu, Shuo Chung. (2010). Trust factors influencing virtual community members: A study of transition. *Journal of Business Research* (63). 1025- 1032.
- Chiu, C. M., Hsu, M. H., and Wang, E. T. G. (2006). "Understanding knowledge sharing in virtual communities: An integration of social capital and social cognitive theories," *Decision Support Systems* (42:3), 1872-1888.
- Chow, Wing S, Chan, Lai Sheung (2008). Social network, social trust and shared goals in organizational knowledge sharing. *Journal of Information & Management* 45, 458-465.
- Cohen, D. and Prusak, L. (2001). In Good Company: How Social Capital Makes Organizations Work, *Harvard Business School Press, Boston, MA*.
- Cummings, J.N (2004). Work groups, structural diversity and knowledge sharing in a global organization. *Journal of management science*, (50), 352-364

- Davenport, T.H, & Prusak,L. (1998), "Working Knowledge: How organizations manage what they know." *Boston: Harvard Business School Press.*
- Davenport, T.H, & Prusak, L,(2000), "knowledge management" translator:Rahman seresht, H. *Sapko publishes, Tehran.*
- Denison, D. (1996). What is the difference between organizational culture and organizational climate? A native's point of view on a decade of paradigm wars. *Academy of Management Review*, 21(3), 619–654.
- Fang, Y.-H., & Chiu, C.-M. (2010). In justice we trust: Exploring knowledge-sharing continuance intentions in virtual communities of practice. *Computers in human behavior*, 26(2), 235-246.
- Galbraith, J. K. (1967). *The New Institutional State*, Houghton Mifflin, Boston, MA.
- Gray, P. H. (2001). "The Impact of Knowledge Repositories on Power and Control in the Workplace," *Information Technology and People* (14:4), 368-384.
- Hall, H., & Goody, M. (2007). KM, culture and compromise: Interventions to promote knowledge sharing supported by technology in corporate environment. *Journal of Information Science*, 33(2), 181–188.
- He, W. and Wei, K.K. (2009), "What drives continued knowledge sharing? An investigation of knowledge-contribution and -seeking beliefs", *Decision Support Systems*, 46 (4), 826-838.
- Hidding, G. J. & Catterall, S. M. (1998), "Anatomy of a Learning Organization: Turning Knowledge into Capital at Andersen Consulting." *Knowledge & Process Management*, 5 (1), 3-13.
- Hong,Z.D, Ping,C.Y, (2009), "The Influence of Knowledge Sharing in Virtual Communities on Consumers' Brand Trust: An Empirical Study". International Conference on Networks Security, Wireless Communications and Trusted Computing, 580-583
- Hsu,I.C (2006). Enhancing employee tendencies to share knowledge: case studies of nine companies in Taiwan. *Journal of information management*, (26). 326-338
- Huang, Qian, Davison, Robert M, Gu, Jibao (2008). Impact of personal and cultural factors on knowledge sharing in China. *Journal of Asia Pacific J Manage*, 25, 451–471
- Jamali, H. R., Nicholas, D., & Herman, E. (2016)." Scholarly reputation in the digital age and the role of emerging platforms and mechanisms". *Research Evaluation*, rrv032.
- Jones, M. C., Cline, M., & Ryan, S. (1997). Exploring knowledge sharing in ERP implementation: An organizational culture framework. *Decision Support Systems*, 41, 411–434.
- Kankanhalli, A., Tan, C.Y.B., Wei, K.K., (2005). Contributing knowledge to electronic knowledge repositories: an empirical investigation. *MIS Quarterly* 29 (1), 113–143.
- Khodayi, F, (2009), "incentive makes for knowledge sharing" second publicConference of knowledge management, Tehran.
- Kiesler, C. A. (1971). *The Psychology of Commitment: Experiments Linking Behavior to Belief. San Diego, CA: Academic Press.*
- Ku,E.C.S, Fan,Y.W (2009). Knowledge sharing and customer relationship management in the travel service alliances. *Journal of total quality management and business excellence*, 20(12), 1407-1421
- Liao, Chechen, To, Pui-Lai, Hsu, Fang-Chih (2012). Exploring knowledge sharing in virtual communities. *Journal of Online Information Review*,37 ( 6), 891-909
- Lin, C-P. (2007). To share or not to share: Modeling tacit knowledge sharing, its mediators and antecedents. *Journal of Business Ethics*, 70, 411-428.
- Lin, T. Ch., Wub, Sh. and Ch. T. Lu (2012). "Exploring the affect factors of knowledge sharing behavior: The relations model theory perspective". *EXPERT SYSTEMS WITH APPLICATIONS*, 39: 751–764.
- Markus, M. L. (2001). "Towards a Theory of Knowledge Reuse: Types of Knowledge Reuse Situations and Factors in Reuse Success," *Journal of Management Information Systems* (18:1), 57-94.
- Mowday, R. T. (1998). "Reflections on the study and relevance of organizational commitment," *Human Resource Management Review* (8:4), 387-401.
- Nández, G., & Borrego, Á. (2013)."Use of social networks for academic purposes: a case study".*Electronic Library*, 31(6), 781-791
- QI, Guojun, (2013). *Information trust, inference and transfer in social and information networks.* Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Electrical and Computer Engineering in the Graduate College of the University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Ridings, C.M., Gefen, D., Arinze, B., (2002). Some antecedents and effects of trust in virtual communities. *Strategic Information Systems* 11 (3-4), 271–295.
- Sharratt,M, Usoro,A, (2003), "Understanding Knowledge-Sharing in Online Communities of Practice." *Electronic Journal on Knowledge Management*, 1 (2) , 187-196

- Sheng T. F. (2005), "Composite Diversity, Social Capital, and Group Knowledge Sharing: A Case Narration", Operational Research Society Ltd.
- Subramani, Mani R, Rajagopalan, Balaji (2003). Knowledge-Sharing and Influence in Online Social Networks via Viral Marketing. *journal of COMMUNICATIONS OF THE ACM*, 46, 300-307.
- Thelwall, M., & Kousha, K. (2014). "Academia. edu: Social Network or Academic Network?" *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 65(4), 721-731.
- Wasko, M.M., Faraj, S., (2005). Why should I share? Examining social capital and knowledge contribution in electronic networks of practice. *MIS Quarterly*, 29 (1), 35-58.
- Yixiang Zhang, Yulin Fang, Kwok-Kee Wei, Huaping Chen, (2010), 'Exploring the role of psychological safety in promoting the intention to continue sharing knowledge in virtual communities, "*International Journal Information Management* 30, 425-436.
- Yu, T.K., Lu, L.C. and Liu, T.F. (2010), "Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via weblogs", *Computers in Human Behavior*, 26 (1), 32-41.
- Zhao, Li . (2010), *Sharing knowledge in virtual communities: factors affecting a member's intention to share*, A Thesis Submitted to the School of Graduate Studies in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. McMaster University



identifying incentives and disincentives factors effects on willingness  
to share knowledge In online scientific social networks

**Anbaraki, S.** M.A of Knowledge and Information Science

Shiraz University

S.anbaraki@areeo.ac.ir

**Jowkar, A.**(PHD). Prof of The Department of Knowledge and Information  
Science

Shiraz University, Faculty of Education and Psychology, Department of  
Knowledge and Information Science

Ajowkar2003@yahoo.com

**Ebrahimi, S.**(PHD). Assistant Professor of Department of Knowledge and  
Information Science

Shiraz University, Faculty of Education and Psychology, Department of  
Knowledge and Information Science

Sebrahimi.shirazu@gmail.com

### Abstract

**Goal:** The current study aimed to develop strategies to improve knowledge sharing on online scientific social networks by identifying incentives and disincentives factors that effects on willing to share knowledge In these networks as an example of virtual communities in order to maintain the vitality of networks and doing research faster and easier.

**Methodology:** The applied Research was used to collect data and it's method is cluster sampling. The study population consisted of Shiraz university and Persian Gulf university faculties. A sampling of 269 person was determined by Morgan table according to whole population (900 person). In order to gathering data it was used questionnaire by Zhao (2010).

**Findings:** Findings showed that common vision, factors shared vision with The mean difference 4/82, reciprocity with The mean difference 4/04 and confidence in sharing with The mean difference 3/34, have the most effects And can be used As basis of knowledge sharing development strategies. Social affiliation with an average -0/42 has the Negative effects to knowledge sharing.

**Conclusion:** Due to the positive effect of shared vision, reciprocity and trust to share knowledge, The Specialized networks can be tried to allowing researchers provided the string with the same subject area.

**Key words:** Knowledge sharing, Incentives, Disincentives, Researchers, university of Shiraz, university of Persian Gulf, online scientific social networks

سحر انبارکی: متولد سال ۱۳۶۴ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی با گرایش مدیریت اطلاعات از دانشگاه شیراز می باشد. مدیریت دانش، شبکه های اجتماعی علمی، ارزیابی نظام های اطلاعاتی و بازیابی اطلاعات از جمله علایق پژوهشی وی است.



عبدالرسول جوکار: متولد سال ۱۳۲۷ دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی می باشد. ایشان هم اکنون استاد بخش علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شیراز است. مدیریت دانش، مرجع شناسی، روش شناسی تحقیق و رفتارهای اطلاعاتی از جمله علایق پژوهشی وی است.



سعیده ابراهیمی: متولد سال ۱۳۵۵ دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی از دانشگاه شهید چمران می باشد. ایشان هم اکنون استادیار بخش علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شیراز است. سنجش علم و فناوری، تئوری های استناد، سنجه های



جایگزین، سنجش و ارزیابی نظام‌های اطلاعاتی و سیرننتیک و ارتباطات از جمله علایق پژوهشی وی است.

